

هوای فرح بخش جویا کنند ...

به یاد شهیدان خود سرفراز
به پاکیزگی شهره شهرهاست
گر آلوده باشد، بسی نابجاست
همه کودکان، نوگل زندگی
گریزند از دود و آلودگی
هوای فرحبخش جویا کنند
خموشانه این خواست، گویا کنند
هوای بد آلوده سازد ریه
بیازارد او نای و هم نایژه
به قلب و به چشم و دهان بس ضرر
رساند هوای بد، این المفرا!
به امراض خون مبتلا می‌کند
دچار غمی ناروا می‌کند
فزاید از آلودگی بوی بد
خود این بوی بد پرورد خوی بد
کلید در زندگی پاکی است
هر آن را که دریایی و خاکی است
به هر کشتزاری درختان بسی
بکارند یاران به یاد کسی
دیار صفاهان پر از جان شود
به پاکی گذرگاه جانان شود
پی شرح این مثنوی سوختم
چراغی در این مجلس افروختم
چو بر «باغ گل‌ها» گذر می‌کنید
به خوبان خاکی نظر می‌کنید
گهی یاد آرید یاران ز من
به زاینده‌رود خوش و آن چمن
شما از دیار صفا پرورید
«جهان‌دیده» را شهر خوبان برید
هر آن کس که دل با خدا راست کرد
به پاکی گرایید و شد رادمرد

به نام خداوندِ دادارِ پاک
مزین به لطفش همه آب و خاک
جهان را ز نور و صفا آفرید
زمین و زمان و هوا آفرید
بشر تا دل آلوده باشد به شر
کند شهر، آلوده با هر شرر
بباید که دل پاک گردد اول
که شهری شود پاک از هر دغل
دوم گام در شهرها همدلی‌ست
تفرق پی دوستی کاهلی‌ست
هر آن کس هوای خوش آلوده کرد
شود زین جفا در جهان روی زرد
مکان‌های تولیدی دودزا
که هستند آزار جان دل‌گزا
بباید که از شهر بیرون شوند
به جاهای کم رفت و آمد روند
گازوئیل و بنزین و نفت وفور
نباید کند سوی پاکی عبور
گیاهان درمانگر سوخت‌زا
بهین داروی دردِ دودِ هوا
توان با روش‌های علم جدید
که تولید نیرو از آن‌ها گزید
که این سوخت در صرفه زان بهتر است
هم از شیمیایی روش‌ها سر است
انرژی خورشید راهی دگر
که گردند اماکن از آن بهره‌ور
به ماشین، بهین سوخت نیروی آن
زمانه از این به ندارد گمان
خوشایند هم آسمان، هم زمین
چه در آشکار و چه اندر کمین
صفاهان پر از عطر گل‌های ناز